

منابع ملاصدرا را به درستی استخراج نکرده‌ایم

محقق داماد گفت: واقعیت این است که ما منابع ملاصدرا را به درستی استخراج نکرده ایم و باید سعی کنیم منابع فکری جدیدی را در این حوزه استخراج کنیم.



محقق داماد گفت: واقعیت این است که ما منابع ملاصدرا را به درستی استخراج نکرده ایم و باید سعی کنیم منابع فکری جدیدی را در این حوزه استخراج کنیم.

به گزارش خبرنگار مهر، بیست و سومین همایش بزرگداشت ملاصدرا با عنوان حکمت ایرانی و حکمت متعالیه از سوی بنیاد حکمت اسلامی صدرا صبح امروز در مجموعه فرهنگی آدینه برگزار شد. مصطفی محقق داماد استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی در همایش ملی حکیم ملاصدرا در سخنانی با عنوان حقیقت، مظهر و مثال در حکمت ایرانی اسلامی اظهار داشت: سه اصل اصالت وجود، وحدت وجود و تشکیک وجود به نوعی به هم پیوسته هستند به این معنا که هر یک بدون دیگری معنا و مفهومی ندارد و نتیجه درستی نمی دهند. اصالت در کنار وحدت و تشکیک به نتیجه می رسد. صدرالمتألهین از آغاز تا آخرین مراحل حکمت خود از الهیات بالاعم و بالاخص همه جا به این سه اصل پای بند است. در مبحث توحید اثبات صانع، معرفت صانع، صفات صانع بر این سه اصل استوار است و بر پایه اصالت وجود استوار شده است و حتی معرفت تعطیل می شود اگر اصالت اثبات نشود. در مبحث معاد هم، تمام مفاهیم از جمله معاد جسمانی، روحانی و غیره بر این سه اصل استوار می شود که این خیلی عجیب است.

محقق داماد تصریح کرد: یک کلمه است که تنها یک جا در معاد جسمانی بیان می کند. اولین بار آنجا دیدم و به نظرم جای دیگر استعمال نمی کند که آن هم معنای «معنای اصولیه» است و می گوید که معنای اصولیه سه مطابق دارد. منظورش از معنای اصولیه که واقعاً یاد نمی آید جایی دیگر باشد، همان معقولات اولیه است که در خارج مطابق دارد و در مقابل آن غیر اصولیه است که مابه ازا ندارند. ایشان گفته معنای اصولیه که معقولات اولیه است مابه ازای خارجی دارد و می گوید که این معنای سه مطابق در عالم خارج دارد؛ یکی از آن ها حقیقت است. بعد مثال می زند می گوید که انسان را معیار قرار دهیم سه مطابق دارد؛ یکی حقیقت انسان است، مراد از حقیقت همان انسان کلی جامع جمیع خواص است. خود حقیقت انسان نیز مظهر اسم الله است و اسم الله نیز عبارت از روحی است که می گوید خدا به خود منتسب کرد که «نفخت فیه من روحی» که مظهری برای حقیقت انسان می شود، اما مطابق دوم مثال و مطابق سوم مظهر است.

وی با بیان اینکه منظور از مثال اشخاص انسانی است، گفت: افراد مانند زید و.. که مثال های حقیقت هستند، اما مطابق مظهر، می گوید عبارت از آن شاخصی است که یا در ذهن دیگری می آید و یا در آینه می آید. پس حقیقت که انسان الهی است و مثال که زید و عمرو و بکر است و مظهر که در اذهان می آید.

استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی در بخش دیگری از سخنان خود یادآور شد: یکی از مکاتب پیش از زرتشت، آئین میترائیسم یا مهرپرستی بوده که تا قرن ۴ میلادی از سرسخت ترین رقیبان مسیحیت به شمار می رفته است که آثار بسیاری در تمدن غربی به جا گذاشته است. دو معنی به فضلا گفته اند یکی به معنای وداع و دیگری به معنای دوست. گاهی مهر به معنای خورشید و گاه به معنای محبت و گاه ماه هفتم سال است. مهر خداوند آن روشنی بوده و از پیمان ها و مردم وفادار حمایت کرده است. مهر الهی از کسانی که به پیمان خود وفادارند حمایت می کند. مهر خداوند آن روشنی است که به یاری افرادی می آید که پیمان شکن نیستند. به تعبیر شیخ اشراق در وجود آدمی نوری است که نور زمینی خوانده می شود.

وی با اشاره به آرا حکیم سبزواری افزود: حاجی سبزواری پهلویون (فهلویون) را مطرح کرد که در نزد آنان وجود امر مشککی است. این کلمه پهلویون باید دید قبل از حکیم سبزواری از کجا آمده است که من در جایی آن را پیدا نکردم لذا استاد مطهری به شیخ اشراق تاخته که او بیش از هر فیلسوف دیگری بیانات گمراه کننده ای از جهت ریشه های تاریخی مسائل ابراز داشته است. آنچه به ذهنم می رسد نقد این بزرگوار بر دو مقدمه استوار است. یکی اینکه مراد از پهلویون همان پیروان شیخ اشراق بوده اند. حال جای سوال است که به چه دلیل مراد از پهلویون از نظر سبزواری همان است که از نظر شیخ اشراق است. به نظر می رسد ملاصدرا ارجاع به سه اصطلاح داده پس شیخ اشراق را اتباع پهلویون معرفی کرده است. ولی واقعیت این است که ما منابع ملاصدرا را به درستی استخراج نکرده ایم و باید سعی کنیم منابع فکری جدیدی را در این حوزه استخراج کنیم.

